

جنبش دانشجویی و گامی فراتر

محمد محسن موسوی

جنبش دانشجویی که برآمد مبارزات اجتماعی، که حاوی خصلتی دمکراتیک، پیشرو و آگاه به مبارزات اجتماعی و طبقاتی، وظیفه ای دشوار بر دوش ان خواهد بود. که میبایستی با حمل کل سنگینی ان، با برداشتن گامهایی که امکان پیشروی در وضعیتی که در ان قرار گرفته را فراهم کند. تاریخا جنبش دانشجویی گرایشهای مختلفی را با خود حمل کرده و نشان داده که وظایفی مهمی در پیش برد مبارزات اجتماعی ایفا کرده است. طیفهای مختلف درون جنبش دانشجویی نشان از وجود گرایشهای مختلف درون جامعه است و مبارزات جنبش دانشجویی انعکاس خواست و مطالبات اقشار و طبقات مختلف جامعه است.

جنبش سوسیالیستی دانشجویی اخیرا، فصل نوینی از مبارزات خود همچون طرح خواست و مطالبات طبقه کارگر و توده محروم جامعه، زنان و ... را در تاریخ مبارزات سوسیالیستی ثبت کرده است. از یک سو بن بست استراتژیک گرایشهای بورژوازی (در همه اشکال ان) در چند سال حاکمیت خود، از سوی دیگر رشد مبارزات کارگری و طبقاتی، افقی روشن را بر مبارزات جنبشهای اجتماعی باز کرده است و این مهم نیازمند بررسی کلی جنبشهای اجتماعی و خصوصا جنبش دانشجویی میباشد.

رشد چشمگیر مبارزات کارگری، اعتراضات و اعتصابات مختلف در اقصی نقاط ایران، مبارزات زنان برای احقاق حقوق پایمال شده خود، به میدان آمدن جنبش سوسیالیستی دانشجویی، همه اینها مبارزه طبقاتی را تشدید و امکان ان را فراهم آورده که بتوانیم راهبردی دقیق برای برداشتن گامهای فراتر به دست داد.

بحث امروز من در مورد جنبش دانشجویی و وظایف کنونی انان است که میخواهم دقیق تر به ان بپردازم.

از دهه ۸۰ به بعد جنبش دانشجویی وارد عرصه مهمتری از مبارزات خود در جهت پیشبرد مبارزات سیاسی و طبقاتی خود شده است. کسب حداقلی از آزادی بیان، انتشار چندین نشریه دانشجویی جهت تبلیغ ایده های سوسیالیستی، برگزاری مراسمهایی مانند روز جهانی کارگر، ۸ مارس و برگزاری میتینگها اعتراضی، کلاسها و جلسات مختلف از جمله دستاوردهای دمکراتیکی بود که طی این چند سال به دست آورده بودند. اما وقایع ۱۳ اذر ۸۶ جنبش دانشجویی را به فاز دیگری سوق داده و وظایف مهمتری را بر دوش فعالین سوسیالیست جنبش دانشجویی گذاشته است. برگزاری مراسم ۱۳ اذر ۸۶ و به دنبال ان دستگیری شمار زیادی از فعالین چپ، جنبش دانشجویی را برای مقطعی دچار عقب نشینی کرده و با تحمیل این عقب نشینی دستاوردهایی که در طول این مدت با فعالیتهای مختلف و پیگیری دانشجویان چپ و سوسیالیست کسب شده بود از کف رفته اند و امکان

فعالیت را باید با مبارزه پیگیر و مداوم که بایستی با استراتژی و سبک کار سوسیالیستی به دست آورد ادامه داد.

به دنبال ۱۳ اذر و سرکوبی که بر جنبش چپ دانشجویی وارد آمد (که بیشتر تأثیر آن در تهران بود) فعالیتهای دیگر در سایر نقاط ایران آغاز و فعالین دیگری پا به میدان مبارزه گذاشتند. در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۸۶ دانشجویان سوسیالیست دانشگاههای ایران رسماً اعلام موجودیت کرد و پا به عرصه مبارزه سیاسی، اجتماعی، دانشجویی و ... نمود. و عملاً جنبش چپ دانشجویی را به دو قطب اصلی تبدیل کرد.

- نگرشی به چرایی تشکیل دانشجویان سوسیالیست

همانطور که اشاره کردم رشد مبارزات اجتماعی از جمله جنبش چپ دانشجویی، نیازمند راهبردی اساسی برای پیشبرد آن لازم و ضروری بود. از طرفی جریانات راست که هیچ ربطی به مبارزات واقعی جنبش و مطالبات و خواسته های دانشجویی نداشته و عملاً در طول زمامداری خود ماهیت سیاسی و طبقاتیشان برای توده دانشجوی و جامعه آشکار گشته بود، عملاً به بن بست سیاسی و استراتژیک از همه لحاظ رسیده بودند، همچنین لیبرالیسم و طیف راست به طور کلی به ساده لوح ترین و خوش بین ترین افراد هم اثبات کرد که تاریخاً از لیبرالیسم ایرانی جز چکمه بوسی استبداد و آستان بوسی ارتجاع انتظاری نمی توان داشت. از طرفی دیگر اتفاقات آذرماه سال گذشته و ضربه گسترده نیروهای امنیتی نتایج متناقضی را برای چپ دانشجویی به بار آورده بود. " از یکسو این ضربات به ضربه خوردن و عقب نشینی ملموس چپ منجر شده است و از سوی دیگر با آشکار نمودن بخشی از پتانسیلهای گسترده اما نهفته چپ نشان داد که بستر و زمینه عینی برای تفکر و جنبش سوسیالیستی در ایران فراهم شده است. وجود گرایشات اوانتوریستی درون جنبش چپ دانشجویی نیازمند وجود جریانی سوسیالیست با اهداف و استراتژی سوسیالیستی که خواست و مطالبات عمومی جنبش دانشجویی و در سطح اجتماعی بتواند بر خواست و مطالبات طبقه کارگر و سایر اقشار پایینی جامعه تأکید نماید، امری ضروری و سیاسی بود.

به محاق رفتن چپ دانشجویی در تهران از یک سو و حضور دانشجویان سوسیالیست در دانشگاهها، نیازمند وجود یک تشکل مستقل و توده ای را برای پیشبرد اهداف سوسیالیستی را طلب میکرد. اگرچه ما تشکیل اولیه خود را در شهرهای جنوبی شروع کردیم اما دیری نپایید که مراکز ثقل تشکل دانشجویان سوسیالیست در دیگر شهرستانها شکل گرفتند و نگذاشتند جنبش دانشجویی بی رهرو بماند و پرچمی سرخ را بر افق مبارزاتی دانشجویی گشود.

حال چه باید کرد؟

اکنون که جنبش چپ دانشجویی بعد از ضربه ۱۳ اذر که بر آن تحمیل شد و دستاوردهای مهمی را از دست داد نیازمند این است که راهبردهایی بکار گرفت که بتوان تشکلی سراسری و سوسیالیستی را با توده وسیع دانشجویی شکل داد و این تنها با در پیش گرفتن یک افق و استراتژی سوسیالیستی خواهد بود. همانطور که ما قبلاً هم در بیانیه های خود تأکید کردیم که پیشبرد هر اعتراض و مبارزه نیازمند تشکل مستقل که در برگیرنده و بسیج توده وسیع دانشجویی و با در پیش گرفته استراتژی سوسیالیستی خواهد بود.

تشکل: انقراض و اضمحلال فکری، سیاسی و عملی انجمنهای اسلامی بمتابیه نهادهای نیم بند و مجاز از نظر حاکمیت، امر به راه انداختن یک تشکل مستقل دانشجویی را به یکی از وظایف اصلی جنبش دانشجویی ایران و بخش چپ آن به شکل خاص بدل نموده است. همانگونه که گفته شد تا حرکتی وسیع با مشارکت توده ای و متشکل از پایین وجود نداشته باشد، "جنبش" در معنای واقعی شکل نمی گیرد. تشکل مستقل دانشجویی سطح فعالیت جنبش را از آگاهگری و افشاگری، تبلیغ و ترویج فراتر می برد و آن را در یک پراتیک واقعی و سازماندهی شده معنا خواهد داد. پراتیک ما در این جهت بر احیای سنتهای غنی سوسیالیستی در کار توده ای یعنی برآوردن مطالبات آحاد یک جنبش با مشارکت خود آنها و متشکل و متحد ساختنشان و بسیج توده ای از پایین بر مبنای این بدنه متشکل و مجبور ساختن نهادهای قدرت به پذیرش و به رسمیت شناختن این اقدامات است.

تا آن هنگام که جنبش دانشجویی خود را در یک تشکل مستقل سوسیالیستی که توده وسیع دانشجویان در آن متشکل شده باشند، شکل نگیرد امکان فراروی و مقاومت در برابر فشارهای وارده را نخواهد داشت و ضربه پذیرتر خواهد بود. برای متشکل کردن جنبش دانشجویی باید با تاکید بر خواست و مطالبات صنفی دانشجویی، میتوان آنها را حول یک تشکل سازمان داد. روشن است که دسترسی و بسیج توده ای و اتکاء و پشت گرمی به تشکل مستقلشان، بستر پیشبرد استراتژی سوسیالیستها در ادوار گوناگون تاریخی و جنبشهای مختلف اجتماعی بوده است. در شرایط کنونی و در بین نهادهای فعلا و واقعا موجود در سطح دانشگاهها هیچ نهادی بهتر از تشکلی (مانند اتحادیه دانشجویان، شورای صنفی و...) که امکان گرد آوردن توده وسیع دانشجویی را در خود متشکل کند قادر به تامین چنین هدفی نیست. دانشجویان سوسیالیست با در پیش گرفتن این سبک کار میتوانند در راس مبارزه جنبش دانشجویی، سازماندهی و رهبری کردن، مبارزاتشون را پیش ببرند، چرا که این راهیست که میتوان با قدرت بیشتر گام برداشت.

میتوان با در پیش گرفتن چنین تاکتیکی بر موانعی که سر راه پیشروی جنبش دانشجویی هست فائق آمد، درکنار این، جنبش دانشجویی نیازمند این است که اتحاد با سایر جنبشهای اجتماعی برای اهداف سوسیالیستی خود را اصل فعالیت خود قرار دهد چرا که این اتحاد با سایر جنبشهای اجتماعی است که ضامن و حافظ پیشروی و پایدار بودن جنبش دانشجویی خواهد بود.

ضرورت اتحاد جنبشهای پایدار اجتماعی از چه چیزی ناشی میشود؟

تداوم و پایداری جنبشهای اجتماعی جهت مبارزه در راه‌هایی بشریت در گرو اتحاد جنبشهای اجتماعی حول مبارزات طبقه کارگر خواهد بود. جنبشهای اجتماعی نیازمند این هستند که بتوانند حول خواست و مطالبات و اهداف پیش رو با هم متحد و در تشکلهای واقعی خود متشکل شوند. از مبارزات معلمان گرفته تا مبارزات زنان و کارگران و مبارزه در راه رفع ستم ملی و دانشجویی، همه و همه نیازمند این هستند که بتوانند با هم و در یک اتحاد عمل جهت کسب خواست و مطالباتشان متحد شوند. پایداری پیشروی هر کدام از این جنبشها در گرو اتحاد با سایر جنبشهای اجتماعی دیگر خواهد بود. مهمتر از همه اتحاد جنبشهای رادیکال و پیشرو حول جنبش کارگری و اتحاد استراتژیک با طبقه کارگر از اصلی ترین نقطه عطف جنبشهای اجتماعیست. چرا که این طبقه کارگر است که توان و قدرت مقابله بی وقفه علیه نظام سرمایه‌داری را خواهد داشت و اتکا به طبقه کارگر نه از نگاهی ایدئولوژیک، بلکه کلید و نیروی واقعی و مادی و عینی هر تغییر و تحول بنیادی اجتماعی را طبقه کارگر بر دوش خواهد کشید و این طبقه کارگر است که میتواند قدرت سیاسی را عملاً به دست گیرد و سیستم استثمار کننده نظام سرمایه‌داری را زیر و رو کند و نظام نوینی که عاری از هر نوع استثمار انسان به دست انسان را بنا نهد. پس اتحاد استراتژیک جنبشهای از ادیخواه و پایدار اجتماعی با طبقه کارگر تنها راه حل‌هایی کل بشریت از نابرابریهای نظم موجود است. استثمار و ناعدالتیها و نابرابریهایی که اکثریت جامعه از آن رنج می‌برند ریشه در نظام طبقاتی سرمایه‌داری دارد و با تشدید مبارزه طبقاتی ما بین کار و سرمایه است که میتواند موقعیت انقلابی را فراهم آورد که در چنین شرایطی طبقه کارگر نیروی اصلی انقلاب را شکل داده و در اتحاد با سایر جنبشهای اجتماعی در تقابل با نظم سرمایه‌داری مقابله خواهد کرد.

جایگاه دانشجویان سوسیالیست در پیشبرد جنبش دانشجویی

دانشجویان سوسیالیست از همان آغاز فعالیت خود از طرفی مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری و در پیش‌گرفت افق سوسیالیستی و از طرفی دیگر در تقابل با اصلاح‌طلبی و جریان‌های راست و جریان‌های اوانتوریستی و ذهنی‌گرایان و برای پیشبرد امر مبارزه سوسیالیستی و طبقاتی پا به میدان مبارزه و فعالیت نهاد. دانشجویان سوسیالیست با آگاهی و ان نقشی که بایستی در پیشبرد مبارزات اجتماعی باید ایفا کنند میتوانند برای پیشبرد مبارزه سوسیالیستی در تمام جنبشهای اجتماعی در راس مبارزات اجتماعی قرار بگیرند و رفتن تا عمق مبارزات توده‌ای امکان بیشتری برای بسیج توده‌ای را خواهند داشت. بدون ارتباط با توده اجتماعی امکان متشکل کردن و سازمانیابی توده‌ای را نخواهیم داشت. پس در هر کجا و در جایی که امکان فعالیت باشد، با بر

افراشتن خواست و مطالبات واقعی و رهبری و سازماندهی هر اعتراض و تجمعی را به دست بگیرند و این امکان را به فعالین سوسیالیست خواهد داد تا بیشتر بر موانع سازمانیابی و متشکل کردن توده اجتماعی فائق آیند.

اکنون که چپ دانشجویی در تهران به دنبال سرکوب و دستگیریهای که به دنبال ۱۳ اذر بر دانشجویان تحمیل شد، چپ دانشجویی عملاً از فعالیت و موجودیت قبلی خود دور شده و عملاً هیچ نوع فعالیت عینی و عملی ملموس را نمیتوان از آنها مشاهده کرد، در چنین موقعیتی تشکل دانشجویان سوسیالیست میتواند ظرفی برای متشکل کردن چپ دانشجویی در دانشگاههای سراسر ایران باشد تا بتوان از این پراکندگی بیرون بیاد. در چنین مقطعی برای جنبش چپ دانشجویی یک ضرورت عینیست که بتواند خود را به شیوه سازمانیافته و باسازی دوباره برای برگزاری ۱۶ اذر سرخ و ادامه مبارزات رادیکال و سوسیالیستی جهت پیشبرد اهداف پیش رو، در تشکل دانشجویان سوسیالیست گرد هم آیند و با نیروی قویتر به میدان برود. این امر در چنین مقطعی نه یک هدف شخصی و گروهی، بلکه یک ضرورت کاملاً سیاسی و حیاتی برای جنبش سوسیالیستی دانشجویی است. بدون باسازی و بازبینی در سیاستهای اوتوریستی که به جنبش چپ دانشجویی ضربه مهلکی وارد آورد، نمیتوان یک راهبرد اساسی برای فراروی از وضع موجود به دست داد. در ضمن نظر به اهمیت فعالیت در مرکز، عدم وجود نماینده و سر سیاسی برای چپ دانشجویی در تهران خلاء عمده ای در امر باسازی چپ دانشجویی است که می بایست هر چه سریعتر به رفع آن همت گمارد. باسازی چپ دانشجویی باید حول دو مقوله استراتژی سوسیالیستی در جنبش دانشجویی و سبک کار انجام پذیرد.

پس ما همه فعالین و دانشجویان چپ و سوسیالیست را به اتحاد در تشکل دانشجویان سوسیالیست فرا میخوانیم و دستهایمان را به سوی همه دوستان و دانشجویان برای پیشبرد امر مبارزاتی و اهداف انسانی و سوسیالیستی دراز کرده و خواهان آن هستیم با هم و حول مسائل مهم جنبش سوسیالیستی متشکل شویم.

زنده باد همبستگی دانشجویان چپ و سوسیالیست !

زنده باد سوسیالیسم !

ابان ماه ۱۳۸۷

<http://www.socialist-students.com>